

فصلنامه « پژوهش‌نامه اندیشه‌های حقوقی »

دوره جدید، شماره (۱)، پیاپی ۴، زمستان ۱۳۹۳، صص ۱۰۹-۱۳۹

## مفهوم اشتباه در شخص طرف قرارداد و تأثیر آن بر قرارداد (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه)

سعید محسنی

دانشیار گروه حقوق دانشگاه فردوسی مشهد

مصطفی شفیع‌زاده خولنجانی\*

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

### چکیده

اشتباه، اعتقاد (پندار یا تصور) نادرست یا غیردقیق از واقعیت در خصوص یکی از عناصر عمل حقوقی است که دارای آثار متفاوتی بر اراده (قصد و رضا) است. اشتباه یکی از عیوب اراده در عرصه قراردادها است. مواد ۱۹۹ تا ۲۰۱ قانون مدنی به بیان احکام کلی اشتباه پرداخته است. از آن جایی که مواد مزبور از قانون مدنی فرانسه، اقتباس گردیده و ضمانت اجرای اشتباه در آن نظام حقوقی، متفاوت با فقه امامیه است، قانون‌گذار برای بیان ضمانت اجرای اشتباه، از تعبیر مبهم همچون «خلل» استفاده نموده است. مسأله مزبور باعث بروز اختلافاتی میان حقوق‌دانان نیز گردیده است. اشتباه در حقوق فرانسه بسته به اهمیت و درجه آن، گاه بی‌اثر بوده، گاهی مانع تشکیل قرارداد بوده و «بطلان مطلق» را در پی دارد و در برخی موارد که عنوان عیب اراده را پیدا می‌کند، موجب «بطلان نسبی» می‌گردد. لیکن در حقوق ایران که مبتنی بر فقه امامیه است، اشتباه در مواردی فاقد اثر و در مواردی مؤثر بر قرارداد می‌باشد. اثر اشتباه نیز یا «بطلان» (بطلان مطلق) و یا «خیار فسخ» است و اشتباه هیچ‌گاه باعث «عدم نفوذ» قرارداد نمی‌شود.

**واژگان کلیدی:** اشتباه، قرارداد، بطلان مطلق، بطلان نسبی، حق فسخ

---

\* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۷/۲۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۱۱/۲۱

نویسنده عهده‌دار مکاتبات: mostafa863@gmail.com

## مقدمه

در قانون مدنی کلمه «اشتباه» و مشتقات آن ۹ بار در ۸ ماده به کار رفته است. اشتباه در قراردادها به عنوان یکی از عیوب اراده در ماده ۱۹۹ قانون مدنی ایران مطرح شده است و در دو ماده بعد، به ترتیب قاعده عمومی مربوط به اشتباه، در خود موضوع معامله و اشتباه در شخص طرف قرارداد بیان شده است. این مقررات که اقتباسی است از مواد ۱۱۰۹ و ۱۱۱۰ قانون مدنی فرانسه، به دلیل تفاوت‌های بین نظام حقوقی فرانسه و حقوق اسلامی، به طوری مبهم و اختلاف برانگیز طراحی شده است. ابتدای قانون مدنی بر مشهور آرای فقهای امامیه و در کنار آن، تأثیرپذیری حقوق دانان ایران (چه در تنظیم قانون مدنی و چه در تفسیر آن) از حقوق فرانسه، باعث شده است تا شاهد تعارض‌هایی ولو ظاهری در متن قانون و نیز اختلافات اساسی در دکتین، در این زمینه باشیم. در متن قانون مدنی، در ماده ۱۹۹ به طور کلی و حسب ظاهر، اشتباه در کنار «اکراه» از اسباب عدم نفوذ شمرده شده است و در ماده ۲۰۱ اشتباه در شخص طرف معامله که شخصیت او علت عمده عقد است، موجب «خلل» به صحت عقد اعلام گشته، در حالی که از طرفی در ماده ۷۶۲ اشتباه در طرف مصالحه، باعث «بطلان» صلح تلقی شده و از طرف دیگر، در ماده ۲۰۰ رضای ناشی از اشتباه در خود موضوع معامله را موجب «نفوذ» ندانسته است. این ابهام و استفاده قانون‌گذار از تعابیر غیراصطلاحی، موجب اختلاف نظر شدید در خصوص اثر اشتباه در شخص طرف قرارداد شده است. به همین سبب لازم است تا با بررسی جامع و تحقیق کامل در حقوق ایران و فقه امامیه از یک سو و حقوق فرانسه از سوی دیگر، مفهوم اشتباه و اقسام آن در شخص طرف قرارداد روشن گردد.

آن چه در این مقاله مدنظر قرار خواهد گرفت، این که ضمن بیان منطقی مفهوم اشتباه قراردادی و اقسام آن، اثر اشتباه بر هر کدام را با توجه به مبانی حقوق ایران، فرانسه و فقه امامیه آن چنان تبیین کنیم که با مبانی فقهی هماهنگ باشد و در عین استفاده از نظرات و تجربیات حقوق فرانسه، دچار تقلید غیرمنطقی نگردیم؛ زیرا تقلید ناشایست از نوشته‌های حقوق فرانسه باعث شده، برخی مفهوم بطلان نسبی (در حقوق فرانسه) را با عدم نفوذ (در حقوق ایران) خلط کنند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۳۹، ص ۲۰۴) و یا این که بدون توجه به مبانی فقهی، به صرف مشاهده کلمه «نفوذ» در دو ماده ۱۹۹ و ۲۰۰ ضمانت اجرای اشتباه را «عدم نفوذ» متصور شود و با پذیرش این نظر علاوه بر تعارض با مبانی فقهی، در تحلیل سایر مواد قانون مدنی (همچون ماده ۳۵۳ و ۷۶۳) دچار چالش جدی شویم (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۹، ص ۱۷۰). به عبارت ساده‌تر، این مقاله به دنبال پاسخ این پرسش است که مفهوم اشتباه در متون فقهی و حقوق ایران چیست و چه تفاوتی با سایر مفاهیم مشابه مطرح شده دارد؟ و با توجه به مفهوم اشتباه، اثر اشتباه بر هر کدام از اقسام اشتباه چیست؟

این بحث‌ها و سؤالات، کم و بیش از قدیم‌الایام مطرح بوده است. حقوق دانان فرانسه به تفصیل به این بحث‌ها پرداخته‌اند. شاید مهم‌ترین اثر در این خصوص، رساله دکتری استاد ژاک گستن<sup>۱</sup>

با نام مفهوم اشتباه در حقوق موضوعه کنونی<sup>۲</sup> باشد. در حقوق ایران نیز اساتید حقوق به اختصار در بحث قواعد عمومی قراردادها به این مهم پرداخته‌اند. علاوه بر آن، چند تحقیق مستقل نیز در این خصوص وجود دارد که مقاله ارزشمند «اشتباه در شخص طرف قرارداد» تألیف سید حسین صفایی از آن دسته است. در متون فقهی نیز گرچه در لابه‌لای مباحث مختلف، همچون قاعده تبعیت عقد از قصد و لزوم انطباق ایجاب و قبول و مباحث خیارات و شروط ضمن عقد و ... تحقیقات قابل توجهی وجود دارد، اما هیچ‌گاه مبحث مستقلی تحت عنوان اشتباه یا غلط، در این متون ارزشمند دیده نمی‌شود.

### مبحث نخست – مفهوم اشتباه و مفاهیم مشابه

تحقیق راجع به اشتباه و اظهار نظر در خصوص مبانی و آثار آن از منظر حقوق ایران، فرانسه و فقه امامیه، منوط به تحقیق در مبادی تصویری و تصدیقی راجع به این مسائل می‌باشد. از این رو مبحث حاضر، تحت عنوان مفهوم اشتباه، به بررسی مفهوم اشتباه از جهت لغوی و اصطلاحی (بند نخست) و تبیین مفاهیم مشابه آن (بند دوم) اختصاص یافته تا در پی بازشناختن دقیق هر یک از مفاهیم، از اختلاط آن‌ها جلوگیری شود.

#### بند نخست – مفهوم اشتباه

برای پی بردن به تعریف صحیح و جامعی از اشتباه، لازم است تا کلمه مزبور را از نظر لغوی و اصطلاحی به‌طور جداگانه، مورد بررسی قرار داده، در نهایت با نقد تعاریف موجود، به تعریف پیشنهادی دست یازیم.

«اشتباه» مصدر ثلاثی مزید «شبه» از باب افتعال بوده، در زبان عربی به معنای التباس (طریحی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۴۷۹)، ابهام (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۶۲)، خیال (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۶۹۲)، تامل (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۳، ص ۵۰۳) و نیز به معنای جهل، شک و شبهه (جمال عبد الناصر، ۱۹۸۸م، ذیل واژه اشتباه) به‌کار رفته است. در زبان فارسی هم اشتباه به معنای پوشیده شدن، نهفته ماندن، مانند شدن، بازشناختن، بازندانستن، سهو و خطا استعمال می‌شود (فرهنگ معین، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۷۸).

صرف‌نظر از معانی مختلفی که برای کلمه اشتباه در زبان عربی و فارسی یاد شده، کلمه مزبور در نوشته‌های حقوقی و نیز قانون مدنی، در معنای اصطلاحی خاصی به‌کار رفته که به نظر می‌رسد به‌رغم شباهت، با معنای لغوی آن متفاوت است. به همین جهت، بررسی معنای اصطلاحی آن ضروری است.

حقوق دانان ایران و فرانسه در تعریف این کلمه، تعابیر مختلفی دارند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. برخی (عدل، ۱۳۷۳، ص ۱۱۸؛ کاتبی، ۱۳۵۲، ص ۵۱؛ شایگان، ۱۳۷۵، ص ۸۳) اشتباه را تصور غلط و باطلی می‌دانند که شخص از امور یا اشیاء پیدا می‌کند. برخی از ایشان (عدل، ۱۳۷۳، ص ۱۱۸) حد اعلاى اشتباه را جهل می‌دانند. در واقع اشتباه در مبحث معاملات، تصور نادرست معامله‌کننده درباره یکی از ارکان و عناصر عقد است (صفایی، ۱۳۸۸، ص ۸۷). در این تعریف همچون برخی از نوشته‌های حقوقی فرانسه (Weill et Terré, 1979, p. 318) اصطلاح اشتباه مقید به حوزه معاملات گردیده است. البته لازم به ذکر است تصریح به ارکان و عناصر «عقد»، قید احترازی برای احتراز از ایقاعات نیست بلکه محمول بر غلبه است.

به موجب یک تعریف مشابه در یکی از نوشته‌های حقوقی فرانسه (Ourliac, 1969, p.132)، «اشتباه عبارت است از اعتقاد خلاف واقعی که در خصوص یکی از عناصر قرارداد واقع می‌شود». برخی از حقوق دانان فرانسه (Starck, 1972, p. 412, n° 1315) وقوع اشتباه را مربوط به زمانی می‌دانند که یکی از طرفین قرارداد در هنگام تشکیل قرارداد در یکی از عناصر قرارداد، مرتکب آن شده است. برخی (Rubellin-Divich, 1996, p. 49; Capitant, 1930; ) (Ghestin, 1971, n° 1, p.1) نیز اشتباه را تصور درست در خصوص امری که نادرست است و بالعکس می‌دانند. برخی (Colin et Capitant, 1932, p. 31) نیز با این بیان که اشتباه عبارت است از نمایش نادرست یا غیردقیق از یک واقعیت، وصفی جدید بر نوع تصور و پندار اضافه کرده‌اند.<sup>۳</sup> برخی از حقوق دانان عرب (ناصیف، ۱۹۹۷، ص ۱۲۷)، تعریف اشتباه به تفاوت و اختلاف اراده ظاهری و باطنی را قابل انتقاد شمرده و معتقدند که در فرض تفاوت اراده باطنی، بحث دایر مدار وجود اراده است نه صحت و سقم آن.

به نظر می‌رسد که با توجه به مطالب ذکر شده، اشتباه را می‌توان چنین تعریف کرد: «اشتباه عبارت است از اعتقاد (پندار یا تصور) نادرست یا غیردقیق از واقعیت در خصوص یکی از عناصر عمل حقوقی». البته در این تعریف به چند نکته باید توجه داشت. از سویی، جوهره این تعریف تصور و پندار خلاف واقع است و هر نوع اشتباهی را که به عنصری از عناصر عمل حقوقی برخورد نماید شامل می‌شود؛ زیرا به نظر می‌رسد که نظریه اشتباه، باید به نحوی تبیین شود که حکم تمام اشتباهات متصوره در عمل حقوقی را بیان کند. در واقع این همان چیزی است که برخی (سنهوری، ۱۹۸۸، ص ۳۱۱) نیز در تعریف پیشنهادی خود، بر آن تأکید می‌کنند. از سوی دیگر، از آنجایی که شخص اشتباه‌کننده برخلاف شخص جاهل، خالی‌الذهن نبوده، بلکه تصوراتی دارد که البته مطابق واقع نیست، از کلمه «اعتقاد» استفاده کرده‌ایم، هرچند آن اعتقاد فی‌الواقع پندار یا تصویری بیش نیست. همچنین استفاده از اصطلاح «عمل حقوقی» برای نشان دادن این حقیقت است که بحث اشتباه، شامل ایقاعات نیز می‌باشد. البته هرچند اشتباه در مسؤلیت غیرقراردادی نیز می‌تواند مطرح باشد (کاتوزیان (الف)، ۱۳۷۶، ص ۳۹۵)، لیکن بحث ما صرفاً درباره اشتباه در اعمال حقوقی است.

## بند دوم - مفاهیم مشابه و نسبت آن‌ها با اشتباه

بعد از بررسی معنای لغوی و اصطلاحی اشتباه، اکنون باید مفاهیم مشابه با آن را مورد بحث قرار دهیم. زیرا مفاهیم مشابه با اشتباه، از سویی در بعضی موارد به‌نحوی در معنای لغوی اشتباه به‌کار رفته است و از سوی دیگر برخی از این مفاهیم در علم فقه و یا اصول فقه دارای معنای اصطلاحی خاص می‌باشد. لذا بررسی این مفاهیم می‌تواند در بازشناسی مفهوم اشتباه به عنوان مهم‌ترین مبداء تصویری نظریه اشتباه، نقش مؤثری داشته باشد. از این رو به ترتیب به بررسی مفاهیم جهل، شک و شبهه و سایر مفاهیم می‌پردازیم و سعی داریم رابطه منطقی هر مفهوم از مفاهیم مورد بحث را با مفهوم اشتباه، تبیین نماییم.

### ۱- جهل

«جهل» در لغت عرب نقیض علم، خلاف علم و ضد علم (فراهیدی، ۱۴۰۹ق.، ج ۲، ص ۱۵۲؛ ابن منظور، ۱۴۰۵ق.، ج ۱۱، ص ۱۲۹؛ جوهری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۶۶۳؛ رازی، ۱۴۱۵ق.، ص ۶۸) و در زبان فارسی نیز به معنای نادان بودن، نادانی و ضد علم به‌کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۶۹۶۵). برخی آن را به دو نوع جهل بسیط و جهل مرکب تقسیم کرده و جهل بسیط به معنی عدم آگاهی از حقیقت شیئی و جهل مرکب به معنی اعتقاد غلط به حقیقت شیء به‌کار رفته است.

جهل در معنای اصطلاحی در متون فقهی و حقوقی، بسیار به‌کار رفته که عمدتاً در مباحث مربوط به ضرورت معلوم بودن مبیع و به‌طور کلی معلوم بودن مورد معامله مطرح شده است. همچنین در باب خیار غبن به عنوان شرط جاهل بودن مغبون از غبن در زمان معامله، و نیز در سایر مباحث فقهی. (به عنوان نمونه، رک. طوسی، ۱۳۸۷ق.، ص ۱۲۸؛ حلی، ۱۴۱۳ق.، ج ۵، ص ۳۱۸؛ نجفی، ۱۳۶۵، ص ۴۲) در کتب اصول فقه نیز کلمه جهل در مباحثی مانند «حکم الجهل بتاريخ العام و الخاص» به‌کار رفته است. (آخوند خراسانی، کفایه‌الأصول، ص ۲۳۸). جهل حسب متعلق آن به جهل به موضوع و جهل به حکم (در لسان فقهی) یا قانون (در لسان حقوقی) نیز تقسیم می‌شود.

اصطلاح جهل در کتب فقهی و اصولی امامیه و قانون مدنی ایران عبارت است از عدم آگاهی نسبت به موضوع و یا حکم (قانون) به نحو بسیط یا مرکب. به همین سبب کلمه جهل گاهی معادل اشتباه مصطلح می‌باشد. بی‌شک بررسی احکام و آثار جهل مزبور به مثابه بررسی احکام و آثار اشتباه مصطلح خواهد بود. در فقه امامیه برای تبیین مفهوم «پندار خلاف واقع»، نوعاً کلمه جهل و بعضاً تعبیر اشتباه به کار می‌رود (انصاری، ۱۳۷۶، ج ۱، صص ۱۰۵ و ۲۸۲؛ طباطبائی یزدی، ۱۳۷۸ق.، ص ۳۵؛ حکیم، ۱۳۹۱ق.، ص ۱۸۶). در هر حال چه در فقه و چه در قانون مدنی، نمی‌توان تبیینی تخطی‌ناپذیر، برای مفاهیم جهل و مخصوصاً اشتباه از جهت مفهوم

دلّالی (مطابقی) آن‌ها و اشتمال آن‌ها بر حکم یا موضوع، ارائه داد. آنچه مسلم است این دو کلمه نه حقیقت شرعی دارند و نه تاکنون به طور قاطع و بدون اختلاف توانسته‌اند حقیقت متشرع‌ای برای خود کسب کنند.

با توجه به تعریف اشتباه باید گفت که اشتباه نوعی از جهل است و نسبت بین این دو عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی هر اشتباهی جهل است نه برعکس و تمامی آن چه در رابطه با جهل مرکب مطرح است، راجع به اشتباه هم قابل طرح است. با توجه به این‌که در جهل مرکب، جاهل اعتقاد به عالم بودن خود دارد و بر این تصور و پندار باطل جازم است، تعبیر برخی که اشتباه را اعتقاد برخلاف واقع شمرده‌اند (شهیدی، ۱۳۷۹، ص ۱۷۲) واضح و روشن می‌شود. البته اشتباه اعتقادی است وهمی که در واقع پنداری بیش نمی‌باشد.

## ۲- شک و شبهه

شک در لغت عرب نقیض یقین و خلاف یقین (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۷۰؛ ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۰، ص ۴۵۱؛ حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۷، ص ۱۵۰) و در زبان فارسی به معنای گمان و تردید به کار می‌رود (معین، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۰۵۵). کلمه «شبهه» نیز با اشتباه از یک ریشه یعنی «شبه» گرفته شده است و برخی (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۲، صص ۵۰۳-۵۰۵) در ذیل ماده «شبه» سه کلمه الشَّبه و الشَّبَه و الشَّبیه را به یک معنی به کار برده‌اند. بنابراین شبهه نیز همانند شک به معنی خلاف و ضد یقین است. شک در واقع نوعی جهل و یا به عبارتی عدم علم نسبت به حکم حقیقی یا موضوع واقعی حکم می‌باشد. بنابراین شک و شبهه، نوعی تردید و دودلی نسبت به حکم یا موضوع و یا مکلف‌به، بعد از اقامه شدن امارات و قراینی است که هیچ‌کدام شخص را از جهل بسیط نسبت به آن حکم یا موضوع یا مکلف به خارج نمی‌کند. بنابراین هیچ اشتباهی شک یا شبهه نیست و برعکس، هیچ شک و شبهه‌ای نیز اشتباه نیست. اما رابطه «اشتباه» و «شک و شبهه» با «جهل»، عموم و خصوص مطلق است.

## ۳- مفاهیم دیگر

با بررسی مفهوم اشتباه و مقایسه آن با مفهوم جهل و شک و شبهه، بسیاری از ابهامات روشن شد و تا حدود زیادی مفهوم اشتباه به عنوان کلیدی‌ترین مبدا تصوری نظریه اشتباه تبیین گردید. با این همه هنوز هم به دلیل وجود مفاهیم مختلف مشابه و یا احیاناً معادل (چه از نظر لغوی و عرفی و چه از دیدگاه دکترین حقوق داخلی و خارجی) ابهاماتی پیرامون این مفهوم وجود دارد. این‌که آیا «خطا» معادل اشتباه است یا نه؟ و «غلط» مفهومی است مشابه یا معادل؟ و سهو اعم از آن است یا نه؟ و همچنین چه رابطه‌ای می‌تواند میان «تردید» و «ابهام» با اشتباه

وجود داشته باشد؟ و یا این‌که آیا هر اشتباهی امری است خیالی و یا هر امر خیالی اشتباه است؟ و سؤالاتی از این قبیل، همه باعث می‌شود که جهت تبیین کامل مفهوم اشتباه و تمایز آن از مفاهیم مشابه، به بررسی مختصر مفاهیم خطا، غلط، سهو، غفلت، وهم و تردید بپردازیم. تا به دلیل ابهام در مفاهیم، درگیر اختلافات لفظی نگردیم.

### ۱-۳- خطا

برخی (حربی، ۱۴۰۵ق.، ج ۲، ص ۷۲۱) خطا را به معنای خلاف اراده و برخی (جوهری، ۱۴۰۷ق.، ج ۱، ص ۴۷) نیز به معنای نقیض صواب دانسته‌اند. در زبان فارسی نیز خطا در معنای گناه غیر عمدی، سهو، اشتباه و نادرست به‌کار رفته است (معین، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۴۲۸). دو عنصر اصلی این تعاریف، عدم اصابت به واقع و عدم عمد است که در تعریف اصطلاحی جلوه‌گر می‌شود؛ چرا که بیان شده است: «خطا عبارت است از وصف عملی که فاعل آن دارای قوه تمیز نبوده و به علت غفلت یا اشتباه یا بی‌مبالاتی و عدم احتیاط، عملی را خلاف موازین اخلاقی یا قانونی مرتکب شده است.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ص ۲۶۳). خطا در این معنی، از حیث عمدی نبودن و همچنین از حیث منشاء آن، مانند اشتباه است. چرا که منشاء خطا همانند اشتباه می‌تواند بی‌مبالاتی، غفلت و سهو باشد. ولی اگر خطا را مانند برخی (موسوی، ۱۳۸۲، ص ۹۲) اعم از عمد و غیرعمد بدانیم، از این حیث نیز خطا اعم از اشتباه خواهد بود.

### ۲-۳- غلط

غلط در زبان عرب در مقابل صواب نیز به‌کار رفته است (طریحی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۳۲۳) و در زبان فارسی نیز در معانی اشتباه کردن و خطا کردن به‌کار رفته است (معین، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۴۲۷). با توجه به این معانی، غلط با اشتباه فرقی ندارد و معادل هم هستند. از این رو، در متون حقوقی عربی به جای اصطلاح اشتباه، اصطلاح غلط رایج است و برخی (سنهوری، ۱۹۸۸، ص ۳۱۱؛ سنهوری، نظریة العقد، ص ۳۴۹؛ سنهوری، ۱۹۶۷، ص ۹۸؛ بحر العلوم، ۱۹۸۱م.، ص ۶۴۲) در تعریف اصطلاحی به جوهر اصلی اشتباه که همان جهل مرکب باشد، تصریح کرده‌اند. در متون فقهی نیز از کلمه غلط استفاده می‌شود؛ مثلاً آنجایی که بحث از لزوم وجود قصد است، برخی معاملات را به دلیل فقدان قصد باطل دانسته‌اند. (به عنوان نمونه، رک. محقق حلی، ۱۴۰۹ق.، ص ۶۷۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق.، ص ۲۱؛ همو، ۱۴۱۷ق.، صص ۳۷۳-۳۷۵)

### ۳-۳- سهو

سهو در لغت به معنی غفلت، وهم و غلط و نیز نسیان به‌کار رفته است. (جوهری، ۱۴۰۷ق.، ج ۶، ص ۲۳۸۷؛ حربی، ۱۴۰۵ق.، ج ۵، ص ۲۳۳) در زبان فارسی هم سهو به معنای فراموش کردن، خطا کردن، خبط کردن و لغزش به‌کار رفته است. برخی (حلی، ۱۴۰۷ق.، ص ۱۹۵)، سهو

را عبارت از زوال صور علمی از نفس به نحوی که بدون زحمت اکتساب جدید با توجهی مختصر مجدداً به ذهن برگردد، می‌دانند. این وضعیت حالتی بین ادراک و نسیان است. کلمه سهو نسبت به خطا و جهل در مباحث معاملات متب فقهی کم‌تر به‌کار رفته است. در همین موارد اندک هم نوعاً همراه غفلت استعمال شده است (میرزا قمی، ۱۴۱۲ق.، ص ۱۶۵؛ طوسی، ۱۳۸۷ق.، ص ۲۷۳). البته سهو گاهی هم در معنای شک به‌کار رفته است (صدوق، ۱۴۱۵ق.، ص ۱۱۰). بنابراین، در اثر غفلت و بی‌توجهی به علم، سهو حاصل می‌شود که نتیجه این امر وقوع نوعی اشتباه است. لذا در کلمه سهو معنای غفلت و عدم توجه به علم مضر است و این چیزی غیر از اشتباه است؛ زیرا در اشتباه، انسان به‌رغم این‌که در جهل مرکب است، تصور می‌کند که علم دارد. بنابراین رابطه این دو مفهوم، تباین است و هیچ سهوی اشتباه نیست و هیچ اشتباهی هم سهو نیست (موسوی، ۱۳۸۲، ص ۹۲).

#### ۴-۳- غفلت

غفلت از ریشه «غفل» است به این معنا که انسان نسبت به امری علم (ذکر) دارد، اما آن را فراموش می‌کند. به همین سبب برخی (راغب، ۱۴۰۴ق.، ص ۳۶۲)، نیز آن را معادل «سهو» تلقی کرده‌اند. در برخی کتب لغت (ابن منظور، ۱۴۰۵ق.، ج ۷، ص ۳۶۳) هم غفلت، در معنای نسیان به‌کار رفته است. در زبان فارسی هم در معنای فراموش کردن، بی‌خبر گشتن، نادانستن چیزی، فراموشی، نسیان و نادانی به‌کار می‌رود (معین، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۴۲۱). بنابراین، غفلت عبارت است از عدم توجه به امری که فرد قبلاً نسبت به آن علم داشته است؛ یعنی سهو و نسیان. اگر چه نتیجه غفلت، مانند سهو، اشتباه است، اما نه تنها نباید غفلت و اشتباه را معادل بدانیم، بلکه نباید اثر این دو را از حیث احکام یکی دانست. زیرا در اشتباه، انسان امر منظور (مورد اشتباه) را قصد کرده است. اما در غفلت، امر مغفول، مقصود و منظور نبوده است و کلام علامه حلی (حلی، ۱۴۱۰ق.، ص ۵۱۶) نیز کاملاً مؤید این بیان است. در هر حال نسبتی که بین سهو و اشتباه وجود داشت (تباین)، بین غفلت و اشتباه نیز وجود دارد و نباید به صرف این‌که مؤدای غفلت، جهل مرکب است، آن را نوعی اشتباه بدانیم.

#### ۵-۳- وهم

وهم در لغت عرب در معانی غلط، غفلت، سهو و اسقاط بعض چیزی به‌کار رفته است (حربی، ۱۴۰۵ق.، ج ۱، ص ۲۶۴؛ حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۹، ص ۹۷) و در زبان فارسی هم، به معنی در دل گذاشتن، به غلط تصور کردن، پنداشتن، تصور غلط، پنداشت، آنچه در خاطر می‌گذرد، پندار، اعتقاد به امر مرجوح و خیال و تخیل به‌کار رفته است (معین، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۵۰۶۳). بنابراین، وهم مثل اشتباه و سهو و غفلت، مشتمل بر تصور و پندار خلاف واقع است. در فقه نیز وهم و برخی مشتقات آن مثل یوهم بسیار به‌کار رفته است. از جمله گاهی در معنای «موجب اشتباه» به‌کار رفته است (حلی، ۱۴۱۳ق.، ج ۸، ص ۸۵). این کلمه در کتب فقهی نوعاً در همین معنا به‌کار رفته است. ممکن است انسان به حسب وهم، دست به



عملی یزند که خلاف واقع باشد (اشتباه) و از این جهت که امر موهوم مدّ نظر و مقصود فاعل آن بوده است، امر مشتبه با امر موهوم و نیز اشتباه با وهم از این حیث یکی هستند. اما این دو با هم تفاوت‌هایی هم دارند؛ زیرا اشتباه به عنوان یک اصطلاح در حقوق ایران شناخته شده، در حالی که وهم معنای اصطلاحی ندارد و بیشتر، تصورات خلاف واقعی است که هیچ پایه و اساس منطقی ندارد. در حالی که اشتباه گرچه خلاف واقع است، اما در ظاهر و به نظر اشتباه‌کننده، مبتنی بر منطقی می‌باشد.

### ۶-۳- تردید

تردید در لغت عرب، نوعاً به معنی حالتی خاص از صوت حنجره انسان یا حیوان است (سیاح، فرهنگ جامع مصور، ج ۱، ص ۴۸۹؛ المنجد، ۱۹۸۶، ص ۲۵۴) و در زبان فارسی به معنای دو دل کردن و دو دله ساختن به کار می‌رود (معین، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۰۶۶). از آن‌چه گذشت به نظر می‌رسد، معنای اخیر در متون حقوقی پیش‌تر مدّ نظر بوده است، هرچند برخی (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۷) «تردید» مذکور در مواد قانونی را به معنی شک و در مقابل انکار و تکذیب قرار داده‌اند و در حقوق مدنی، نقطه مقابل معلوم و معین نیز به کار رفته است.<sup>۴</sup> تردید در معنای اخیر، ممکن است با مفهوم اشتباه خلط شود. در حالی که در تردید، مصداق مورد معامله معین نیست و نسبت به آن جهل (بسیط) وجود دارد. درحالی که اشتباه جهل مرکب است. همچنین اثر تردید در معاملات، بطلان مطلق است در حالی که اثر اشتباه بسته به مورد متفاوت می‌باشد. بنابراین بین مفاهیم تردید و اشتباه هیچ رابطه‌ای وجود ندارد.

## مبحث دوم - اقسام اشتباه

برای بیان انواع اشتباه، برخی (Starck, 1972, p. 413, n° 1315؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸ الف، صص ۳۸۹ تا ۳۹۲؛ امامی، ۱۳۷۴، ج ۴، صص ۱۹۷-۲۰۱) مصادیق آن را نام برده‌اند. برای تبیین انواع مختلف اشتباه، می‌توان از منظرهای متعددی به تقسیم‌بندی اشتباه پرداخت. از سویی، معمولاً نویسندگان فرانسوی از تقسیم‌بندی اشتباه به اشتباه مانع و اشتباه عیب رضا، سخن می‌گویند (بند نخست). از سوی دیگر، می‌توان انواع اشتباه را از حیث متعلق آن مورد بررسی قرار داد (بند دوم). یکی از مهم‌ترین تقسیم‌بندی‌های اشتباه تقسیم‌بندی اشتباه از حیث نوع اثرگذاری آن است (بند سوم).

### بند نخست - اشتباه مانع و اشتباه عیب رضا

بر حسب تعریفی که از اشتباه در این مقاله ارائه شد، قلمرو نظریه اشتباه وسیع است و هر تصور خلاف واقع مؤثر بر قرارداد را شامل می‌شود. لیکن حقوق‌دانان ایران، نوعاً قلمرو نظریه اشتباه را محدود می‌کنند. به نظر می‌رسد تحدید قلمرو اشتباه مؤثر به برخی موارد و انصراف از برخی

موارد دیگر، ناشی از تقلید از حقوق فرانسه و بدون توجه به تفاوت‌های مبنایی دو نظام حقوقی است و به همین جهت برخی (امامی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۶؛ کاتوزیان<sup>۵</sup>، ۱۳۷۶، صص ۴۲۵ و ۴۷۱) به تبع حقوق دانان فرانسه (Dupichot, 1993, p. 112; Carbonnier, 2000, p. 98; Flour, Aubert et Savaux, 2002, n° 190) اشتباه غیر مؤثر و اشتباه مانع را از قلمرو نظریه اشتباه خارج دانسته و علاوه بر آن، اشتباهاتی که موجب خیار فسخ می‌شود را نیز فصلی جدا از مقوله اشتباه دانسته‌اند و در نتیجه نظریه اشتباه را در یک خلاء بحث کرده و در خصوص اثر آن دچار تردید شده‌اند.<sup>۶</sup>

البته تقسیم اشتباه به اشتباه مانع و اشتباه عیب اراده در حقوق فرانسه دارای توجیه است. زیرا منظور ایشان از اشتباه مانع، اخص از آن چیزی است که در حقوق ایران تفسیر و برداشت می‌شود. ایشان اشتباه در اوصاف اساسی (یا به تعبیر فقهای اسلامی، اشتباه در صورت عرفیه) را اشتباه مانع نمی‌دانند، بلکه معتقدند که به‌رغم وجود چنین اشتباهی، توافق اراده‌ها صورت گرفته، عقد محقق می‌شود و برای طرف مرتکب اشتباه، حق درخواست ابطال محفوظ است. در حالی که در حقوق ما چنین فرضی (اشتباه در صورت عرفیه)، مانع ایجاد عقد (بطلان مطلق) است. حال اگر اشتباه موجب بطلان و نیز اشتباه موجب خیار را از نظریه اشتباه خارج بدانیم، نظریه مزبور فاقد مصداق خواهد بود. ضمناً شایسته ذکر است که با توجه به مبانی اشتباه و تاریخچه آن، اشتباه در حقوق ایران هیچ‌گاه باعث عدم‌نفوذ قرارداد نمی‌شود. در فقه امامیه نیز که الهام‌بخش نویسندگان قانون مدنی بوده، همان‌گونه که برخی از حقوق دانان (کاتوزیان (الف)، ۱۳۷۶، ص ۴۷۷) بیان داشته‌اند، اشتباه در هیچ فرض خود موجب عدم‌نفوذ معامله نیست.

### **بند دوم- انواع اشتباه از حیث متعلق آن**

اشتباه از این جهت که موضوع و متعلق اشتباه چیست و اشتباه در چه چیزی رخ داده، به اشتباه حکمی و موضوعی تقسیم می‌شود. توضیح این که چنانچه در خصوص حکم مسأله‌ای اشتباه واقع شود، به آن اشتباه حکمی یا اشتباه در حکم گویند (بند الف) و چنانچه اشتباه در خصوص موضوع مسأله باشد، آن را اشتباه موضوعی یا اشتباه در موضوع می‌نامند (بند ب).

### **بند الف- اشتباه حکمی (اشتباه حقوقی)**

حکم در ادبیات فقهی بر دو نوع است. گاه حکم ناظر به اعمال مکلفین بوده که به آن حکم تکلیفی می‌گویند. حکم در ادبیات حقوقی نوعاً منصرف به حکم وضعی (صحت و بطلان، نفوذ، خیاری بودن یا لزوم عقد) است. در این تحقیق نیز منظور از اشتباه حکمی، اشتباه در حکم وضعی است.

اشتباه حکمی<sup>۷</sup> که به اشتباه حقوقی نیز معروف است (کاتوزیان (الف)، ۱۳۷۶، ص ۳۹۶) و برخی (مؤمن قمی، مبانی تحریر الوسیلة، ص ۱۱) نیز برگشت آن را جهل به قانون می‌دانند، عبارت است از اشتباه در خصوص وجود یا مفهوم یا گستره یک قانون یا یک قاعده حقوقی که نسبت به یک بی‌اطلاع غیرمقصر ممکن است عذر محسوب شود (Cornu, 1992, p.321).

به نظر می‌رسد تعریف اشتباه حکمی یا حقوقی اجمالاً روشن است؛ اما معلوم نیست چرا برخی از نویسندگان (حسینی حائری، ۱۴۲۳ق، ص ۵۱۶)، اشتباه حکمی را به اشتراط شرط فاسد تعریف نموده‌اند.

مسلم است که قلمرو بحث، محدود به احکام و قواعد امری و یا امره تلقی کردن قواعد غیر امری است و اشتباه حکمی را نباید با قاعده منع استماع ادعای جهل به قانون، خلط نمود. قاعده اخیر مبتنی بر یک مصلحت‌اندیشی قانون‌گذار است که حالت فرض قانونی<sup>۱</sup> به خود گرفته است. «جهل به قانون مسموع نیست» که به عنوان یک قاعده پذیرفته شده، بدین معنی است که هیچ‌کس نمی‌تواند به بهانه جهل به قانونی که نسبت به او قابلیت اجرا دارد، از انجام آن فرار کند (Starck, 1972, p.1349, n 422).

مسئله تأثیر اشتباه حکمی بر اعتبار قرارداد عبارت است از یافتن پاسخ این سؤال که آیا تراضی معیوب شده یا نه؟ بنابراین همان‌گونه که عدم شناخت یک عنصر موضوعی ممکن است موجب اشتباه گردد، یک برداشت ناصحیح حقوقی نیز می‌تواند همان اثر را داشته باشد (Flour, Aubert et Savaux, 2002, p.141, n° 200). اراده به هر دلیل معیوب شود، قرارداد پایه اصلی خود را از دست می‌دهد (Starck, 1972, n° 1349). بنابراین اگر مبنای اشتباه عیب اراده باشد، اشتباه موضوعی و حکمی از این جهت یکسانند. البته اشتباه حکمی نیز باید تمام شرایط اشتباه موضوعی را داشته باشد تا مؤثر واقع شود (کاتوزیان (الف)، ۱۳۷۶، ص ۳۹۶؛ زیرا بازگشت اشتباه حکمی نیز به اشتباه موضوعی است (ناصیف، ۱۹۹۷، ص ۱۵۱). بنابراین این ادعا نیز مردود نیست، اگر گفته شود که اشتباه حقوقی فی‌نفسه اثری ندارد، اما اگر منجر به اشتباه موضوعی شود، تأثیرگذار خواهد بود. منشأ اشتباه حکمی ممکن است ناشی از جهل به قانون باشد یا به علت تفسیر نادرست قانون.

#### ۱- اشتباه ناشی از جهل به قانون

این نوع اشتباه رایج‌ترین اشتباه حکمی است. انسان گاهی در اثر جهل به حکم یا قانون، مرتکب فعل یا ترک فعلی می‌شود و بعداً متوجه وجود امر یا نهی قانونی می‌گردد. یعنی در صورت شک در وجود یا عدم وجود، دچار جهل بسیط شده که از آن در اصطلاح علم اصول، تعبیر به شبهه حکمیه می‌شود (مظفر، اصول‌الفقه، ج ۲، ص ۳۱۲). اما چنانچه به پندار فقدان حکمی، اقدام به فعل یا ترک فعلی نماید، جهل او مرکب بوده، آن را اشتباه حکمی می‌گوییم. بنابراین اشتباه حکمی اصولاً مؤثر است؛ خواه به آن اصالت داده یا این که تأثیر آن را ناشی از منتهی شدن به اشتباه موضوعی بدانیم.

**۲- اشتباه ناشی از تفسیر قانون<sup>۹</sup>**

در برخی موارد، مقررات مبهم یا مجمل بوده یا با مقررات دیگر تعارض بدوی یا حتی مستقر داشته که تفسیر آن مقررات منجر به اختلاف نظر می‌شود. سؤال این است که اگر شخصی در اثر تفسیر ناصحیح قانون مرتکب اشتباه حکمی شود، آیا می‌تواند به اشتباه خود استناد نماید؟ در پاسخ به این سؤال برخی (کاتوزیان الف)، ۱۳۷۶، ص ۳۹۶، اشتباه در مسائل نظری و اختلاف برداشت از قانون را اشتباه حقوقی غیر مؤثر دانسته‌اند. لیکن به نظر می‌رسد این نوع اشتباه نیز ممکن است اراده را معیوب نماید و چون مبنای اشتباه عیب اراده است، این نوع اشتباه هم می‌تواند تأثیر گذارد. البته شرط «مهم و اساسی بودن» و «ورود در قلمرو تراضی» و «شایسته حمایت بودن مدعی اشتباه» و تمام شرایط لازم برای اشتباه مؤثر، باید موجود باشد والا تأثیری بر قرارداد نخواهد داشت.

**بند ب- اشتباه موضوعی (اشتباه در موضوع)**

در اشتباه موضوعی<sup>۱۰</sup> آنچه مورد اشتباه قرار گرفته، موضوع حکم است. این موضوع می‌تواند شخص طرف قرارداد و یا خود موضوع قرارداد و یا احیاناً امر دیگری مانند علت تعهد یا جهت قرارداد باشد. زیرا موضوع یک حکم منحصر در موضوع قرارداد نبوده، شامل نوع عقد، شخص متعاقدين، انگیزه ایشان و همچنین جهت تعهد نیز می‌باشد. بنابراین تعریف اشتباه به اشتباهی که نسبت به موضوعات مادی رخ می‌دهد،<sup>۱۱</sup> گویا و جامع نیست. البته برخلاف نظر برخی (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ص ۳۷۶)، نباید اشتباه موضوعی را با شبهه موضوعیه یکی دانست. زیرا میان اشتباه و شبهه، رابطه تباین وجود دارد. در شبهه موضوعیه، شخص به نحو بسیط جاهل است و خود عالم بر جهل خویش می‌باشد. اما در اشتباه، شخص به نحو مرکب جاهل است و خویش را عالم به واقع می‌پندارد. مهم‌ترین اشتباهات موضوعی که ممکن است رخ دهد، به شرح زیر است:

**۱- اشتباه در شخص طرف قرارداد**

مبنای اشتباه در شخص طرف قرارداد<sup>۱۲</sup> با مبانی اشتباه در خود موضوع معامله یکسان است (کاتوزیان الف)، ۱۳۷۶، ص ۴۷۳؛ امامی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۲؛ Flour, Aubert et Savaux, (2002, p.142, n° 202). در نتیجه حکم هر دو نیز باید مشابه باشد. بنابراین ادعای آنان که اثر اشتباه در شخص طرف قرارداد را متفاوت با اثر اشتباه در خود موضوع معامله می‌دانند (بروجردی عبده، ۱۳۸۰، ص ۹۶) مردود است. همچنین برای اشتباه در شخص می‌توان آن را به اشتباه در هویت فیزیکی، اشتباه در هویت مدنی و اشتباه در اوصاف<sup>۱۳</sup> تقسیم نمود. در خصوص اشتباه در شخص طرف قرارداد، علاوه بر شرایط عام تأثیرگذاری اشتباه، شرط دیگری

را نیز باید افزود و آن علت عمده بودن شخصیت طرف قرارداد می‌باشد که صریحاً در ماده ۲۰۱ قانون مدنی نیز پیش‌بینی شده است.

#### ۲- اشتباه در موضوع قرارداد

یکی از مهم‌ترین اشتباهات موضوعی، اشتباه در موضوع قرارداد است. باید دانست که مبنا و آثار اشتباه در خود موضوع قرارداد با اشتباه در شخص طرف قرارداد یکسان می‌باشد. بنابراین باید حکم ماده ۲۰۰ در خصوص اشتباه در خود موضوع معامله را با حکم ماده ۲۰۱ در خصوص اشتباه در شخص طرف قرارداد با هم تفسیر نمود و نمی‌توان برای یکی حکمی متفاوت با حکم دیگری صادر نمود. اشتباه در خود موضوع قرارداد که ترجمه سوبستانس می‌باشد، مباحث مفصلی را در حقوق فرانسه و نیز در حقوق ایران به خود اختصاص داده که از فرصت این نوشتار خارج است<sup>۱۴</sup> اما اجمالاً باید گفت خود موضوع معامله صرفاً جنس آن نیست بلکه عبارت از تمام اوصاف و اموری است که تشکیل‌دهنده هویت عرفی (صورت عرفیه یا نوعیه) آن شی باشد.

البته هویت یک شیء در نظر متعاقدين می‌تواند متفاوت با چیزی باشد که در نظر عرف هویت آن شیء محسوب می‌شود، که در این صورت بار اثبات این ادعا به عهده مدعی آن است. بر همین منوال، اشتباه در شخص طرف قرارداد، منحصر به اشتباه در هویت فیزیکی او نیست، بلکه اوصاف شخصی هم ممکن است هویت شخص را تشکیل دهد که تشخیص آن، بسته به نوع قرارداد و قصد متعاقدين و... متفاوت است.

#### ۳- اشتباه در نوع عمل حقوقی

در این حالت یکی از متعاقدين عقدي را قصد می‌نماید و دیگری عقد دیگری را. مثلاً یکی قصد تملیک مال خود را در قالب عقد بیع می‌نماید و دیگری قصد تملک آن را در قالب عقد هبه. هرچند این نوع اشتباه فرضی نادر می‌باشد اما اتفاق افتاده است (Starck, 1972, n° 1334). اشتباه در نوع عمل حقوقی موجب بطلان مطلق قرارداد است و علت آن، عدم وقوع مقصود و عدم قصد واقع است (بجنوردی، ۱۴۱۹ق.، ج ۳، ص ۱۳۸). حقوق‌دانان فرانسه نیز این مورد را موجب بطلان مطلق عقد دانسته و در شمار اشتباهات مانع می‌آورند.

#### ۴- اشتباه در علت (جهت تعهد)

مقصود از علت یا جهت تعهد،<sup>۱۵</sup> مقصود مستقیم و بلاواسطه و تعیین‌کننده‌ای است که متعهد به خاطر آن، در برابر متعهدله قبول تعهد کرده است (صفایی، ۱۳۷۵، ص ۳۴۱). علت یا جهت تعهد که علت غایی قرارداد نیز می‌باشد، برخلاف جهت قرارداد، به صورت نوعی در تمام قراردادهای مشابه یکسان است. قانون ایران نظریه جهت تعهد را به صورت مستقل و صریح مورد پذیرش قرار نداده، لیکن مقرراتی در متون قانونی وجود دارد که برای توجیه آن بر اساس نظریه جهت تعهد ممکن است. برای نمونه، در قراردادهای دو تعهدی، برای توجیه اصل همبستگی تعهدات در مقررات مختلفی از قانون مدنی؛ همچون ماده ۳۸۷ (انفساخ معامله

به لحاظ تلف مبیع قبل از قبض)، ماده ۳۷۷ (حق حبس)، ماده ۳۸۸ (حق فسخ ناشی از عدم اجرای تعهدات طرف مقابل)، نظریه جهت تعهد قابل استفاده است.

#### ۵- اشتباه در انگیزه (داعی - جهت قرارداد)

جهت قرارداد همان اهداف با واسطه شخصی است که متعاقد را بر انجام قرارداد برمی‌انگیزاند که در فقه به آن داعی نیز گفته می‌شود. البته این اغراض، به لحاظ شخصی بودن، معمولاً وارد قلمرو تراضی نمی‌شوند و در قراردادهای مشابه نیز متفاوت هستند. مثلاً شخصی منزلش را می‌فروشد تا با پول آن تجارت کند، دیگری هدفش از فروش خانه، تأدیه قروض و بدهی‌هایش می‌باشد. بنابراین باید گفت که اشتباه در انگیزه‌های خصوصی (اشتباه در جهت قرارداد) با اشتباه در جهت تعهد فرق می‌کند؛ اولی فاقد اثر ولی دومی موجب بطلان قرارداد است.

#### بند سوم - تقسیم اشتباه از حیث اثر آن

اساس تقسیم اشتباه در حقوق فرانسه، بر مبنای آثار آن است که میان اشتباه مانع و اشتباه عیب رضا تفکیک می‌نمایند. این تقسیم‌بندی مخصوصاً با آن تفسیری که فرانسویان می‌کنند، قابل تطبیق با حقوق اسلامی نیست؛ زیرا در حقوق فرانسه، اشتباه مانع موجب بطلان مطلق و به موجب ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی فرانسه، اشتباه عیب رضا موجب بطلان نسبی<sup>۱۶</sup> قرارداد دانسته شده است. همان‌گونه که خواهیم دید، مصادیق اشتباه عیب رضا که در حقوق فرانسه بطلان نسبی را در پی دارد، در حقوق ایران و فقه امامیه، بسته به مورد، موجب بطلان مطلق بوده یا فقط التزام متعاقد را از بین می‌برد و موجب خیار فسخ می‌گردد. به نظر می‌رسد با توجه به سوابق فقهی و تاریخ حقوق ایران، باید اشتباه را به اشتباه مهم و اشتباه غیرمهم تقسیم نمود. اشتباه مهم به لحاظ اهمیتی که دارد، بر قرارداد اثر خواهد گذاشت. بنابراین باید انواع اشتباه را از حیث اثر آن بر قرارداد مورد بررسی قرار داده، پس از بیان انواع اشتباه غیرمهم که فاقد تأثیر است (بند الف)، به بررسی اشتباهات مؤثر و انواع آن بپردازیم (بند ب).

#### بند الف - اشتباه غیر مؤثر

باید توجه داشت که به هر اشتباهی ولو جزئی نمی‌توان اهمیت داد و آن را مؤثر در قرارداد شمرد؛ زیرا اشتباه زمانی می‌تواند مؤثر باشد که به نحوی (صریح یا ضمنی)، وارد در قلمرو تراضی متعاقدین شود. به همین جهت عمده اشتباهات غیرمهم و غیرمؤثر به شرح ذیل قابل ذکر است:

#### ۱- اشتباه در قانون

مسأله اشتباه در قانون یا اشتباه حکمی در بند قبل مطرح شد. به نظر می‌رسد اشتباه حکمی به خودی خود هیچ اثری بر قرارداد ندارد برای نمونه، اشتباه در آثار قرارداد را هیچ‌کس اشتباه مؤثر ندانسته است (Carbonnier, Flour, Aubert et Savaux, 2002, p. 142, n° 202).

2000, p. 100). اصلاً فلسفه پیش‌بینی عقود معین در قانون این است که طرفین بدون این که به تمام زوایای مسأله بپردازند، فقط عنوانی از عناوین عقود معین را برگزینند. در این صورت قانون‌گذار خود، آثار قرارداد را به تفصیل پیش‌بینی نموده است و جهل به آثار مزبور یا اشتباه نسبت به آن هیچ تأثیری بر آن ندارد. البته اگر در خصوص آثار اصلی عقد، اشتباه شده باشد، قطعاً اشتباه مؤثر است؛ زیرا اشتباه موضوعی (اشتباه در نوع عقد) است (شهیدی، ۱۳۷۷، ص ۲۰۷) و اثر آن نیز بطلان است. بنابراین اشتباه حکمی به خودی خود تأثیری بر قرارداد ندارد مگر این که اشتباه مزبور، منجر به اشتباه در موضوع قرارداد گردد.

## ۲- اشتباه در انگیزه‌های درونی

منظور از انگیزه‌های درونی یا اغراض شخصی آن اهداف باواسطه‌ای است که هر چند در ترغیب شخص به انجام معامله مؤثر بوده و او را به انعقاد قرارداد رهنمون ساخته و به تعبیر فقهی داعی شخص در معامله بوده و کاملاً جنبه شخصی دارد. بنابراین چنین اشتباهی اثری در قرارداد ندارد. از این قبیل است وقتی شخصی به‌رغم وجود خودنویس در جیش، به تصور گم‌شدن خودنویس، قلم دیگری می‌خرد (امامی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۳۳). در فقه نیز تردیدی در عدم تأثیر اشتباه در جهت قرارداد وجود ندارد (انصاری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۶۹؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۴۰۱؛ بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۳۰۸؛ همدانی، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۳۳۹؛ خوئی، ۱۳۷۴ق، ص ۲۹۱، آل کاشف‌الغطاء، ۱۳۵۹ق، ص ۳۱۰؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۸ق، صص ۶۰ و ۶۲؛ نائینی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، صص ۴۰ و ۳۹۷).

با توجه به این توضیحات، تعریف اشتباه مؤثر به اشتباهی که اگر مرتکب آن از آن مطلع می‌بود، اقدام به معامله نمی‌کرد، مردود است.<sup>۱۷</sup> زیرا طبق این تعریف، اشتباه در جهت قرارداد مؤثر است! در واقع اشتباه در انگیزه نوعاً به‌نحوی است که اگر شخص مطلع از آن می‌بود، حاضر به معامله نمی‌شد. در حالی که دانستیم که اشتباه در دواعی و اغراض تأثیری بر قرارداد ندارند. بلکه برای تأثیر بایستی انگیزه به‌نحو صریح یا ضمنی وارد در قلمرو تراضی شود و به‌صورت قید یا شرط یا وصف درآید.

## ۳- اشتباه در اوصاف فرعی به‌نحوی که وارد در قلمرو تراضی نشده باشد.

به نظر می‌رسد اوصاف اشیاء یا اشخاص بر دو دسته است. برخی از اوصاف اساسی است به‌نحوی که تشکیل‌دهنده ماهیت یا هویت عرفی شیء یا شخص است که اشتباه در آن سبب بطلان است. اما برخی اوصاف، فرعی تلقی شده، جدای از هویت مقصود است. اوصاف دسته اخیر ممکن است مطلوب بوده و در قرارداد نیز وارد شود که در این صورت مهم تلقی می‌شود. اما بدیهی است که تخلف از آن، مطلوب اصلی را منتفی نمی‌کند یا به تعبیری آن وصف با موصوف خود هر دو مطلوبند اما از باب تعدد مطلوب و نه وحدت مطلوب (موسوی خمینی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۸۴). بنابراین تخلف از چنین وصفی موجب خیار فسخ می‌شود؛ اما چنانچه

اوصاف فرعی مزبور در قرارداد ذکر نگردد اشتباه در آن مهم نبوده، هیچ اثری بر قرارداد ندارد (انصاری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۹۶؛ نائینی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۹۷). در نظام حقوقی فرانسه نیز اشتباه در اوصاف فرعی به طور کلی بی تأثیر اعلام شده است (Carbonnier, 2000, p.100). به همین جهت، در مواردی که اشتباه در اوصاف مزبور مهم به نظر می‌رسد، با تفسیر گسترده و موسّع از اوصاف اساسی، سعی دارند تا خلاء مزبور را پر نمایند. بنابراین راهکار حقوق ایران و فقه امامیه ترجیح دارد؛ از این رو، که هم برای اشتباه در اوصاف اساسی، ضمانت اجرای بطلان پیش‌بینی کرده و هم برای اشتباه در اوصاف فرعی مذکور در قرارداد، حق فسخ ایجاد نموده است.

۴- اشتباه در قیمت به نحوی که وارد در قلمرو تراضی نشده باشد. اشتباه در قیمت در حقوق ایران و فقه اسلامی تحت عنوان خیار غبن بحث می‌شود. در حقوق فرانسه جز در موارد خاص، اصولاً غبن عیب اراده تلقی نشده است.<sup>۱۸</sup> این واقعیت مورد انتقاد برخی از حقوق‌دانان این کشور (Flour, Aubert et Savaux, 2002, p.142, n° 203) قرار گرفته است.

در این زمینه حقوق ایران و فقه امامیه بر حقوق فرانسه ترجیح دارد؛ زیرا اشتباه در ارزش، معمولاً مهم بوده و توجه به قیمت، تعیین‌کننده است. البته اشتباه مزبور وقتی مؤثر است که به نحوی (صریح یا ضمنی) وارد قلمرو تراضی شود و یا لاقلاً به دلالت عرف، چنین وصفی (تعادل ارزش عوضین)، جزء توافقات ضمنی طرفین تلقی گردد. به همین جهت است که در فقه و حقوق ایران برای خیار غبن، شرط می‌دانند که غبن باید فاحش باشد والا تفاوت قیمت قابل اغماض که عرف نسبت به آن مسامحه داشته باشد، هیچ اثری نخواهد داشت.

#### ۵- اشتباه در محاسبه و ارقام

اشتباه در محاسبه و ارقام؛ مثل این که در مقام محاسبه قیمت ده کیلو برنج که کیلویی هزار و دوست تومان فروخته شده، چهارده هزار تومان محاسبه و اعلام گردد. بدیهی است این اشتباه می‌تواند، بلکه باید، تصحیح شود (Carbonnier, 2000, p. 100).

مشابه این بحث در متون فقهی در باب بیع مباحه‌ای مطرح می‌شود. چنانچه خریدار مباحه‌ای کالایی را بخرد و فروشنده در اعلام قیمت رأس‌المال، اشتباه کرده باشد، موضوع از باب خطای در تطبیق است و هیچ اثری ندارد (خوئی، ۱۳۷۴، ص ۳۰۰). البته، فرض مورد بررسی منصرف از فرضی است که طرفین به دلیل اشتباه، در قیمت مبنا با یکدیگر توافق ندارند.

#### بند ب- اشتباه مؤثر

در تمام نظام‌های حقوقی، اجمالاً اشتباهاتی وجود دارد که قرارداد را متأثر می‌سازد. اختلاف مبنایی حقوق فرانسه با فقه اسلامی در خصوص اثر اشتباه، از سویی، و ابهام متون قانونی ایران در خصوص مورد، از سوی دیگر، تفسیرهای کاملاً متفاوتی را در زمینه اثر اشتباه ایجاد نموده



است. برای رسیدن به یک پاسخ صحیح و منطقی باید گفت هیچ ضرورتی وجود ندارد که هر آن چه عیب اراده به شمار می‌آید، به یک اندازه در اعتبار عقد اثر کند (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۴۷۷). در حقوق ایران اثر اشتباه از دو فرض بطلان و خيار فسخ خارج نیست و این همان چیزی است که برخی (نائینی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۲۵۴ و ج ۲، صص ۱۰۵، ۲۱۹ و ۲۷۳) در بیان همین مفهوم (مفهومی اعم از بطلان و خيار) از تعبیر «اختلال» استفاده کرده‌اند. در متون فقهی اهل سنت (البدائع به نقل از سنه‌وری، ۱۹۶۷، ص ۱۲۳) نیز هر دو تعبیر «خلل» و «اختلال» برای نشان دادن تأثیر اشتباه بر اراده استفاده کرده است و خلل در رضا را موجب خيار فسخ دانسته‌اند.

مفهوم بطلان نسبی که یک مفهوم اجنبی است و در حقوق ایران جز در موارد استثنائی، کاربرد ندارد و اشتباه هیچ‌گاه باعث عدم‌نفوذ هم نمی‌شود. کسانی که اثر اشتباه را عدم‌نفوذ شمرده‌اند (بهرامی، ۱۳۸۱، ص ۷۲؛ عدل، ۱۳۷۳، ص ۲۲۸؛ شایگان، ۱۳۷۵، صص ۱۶۲ و ۱۹۲؛ بروجردی عبده، ۱۳۸۰، ص ۹۸؛ امیری قائم مقامی، ۱۳۷۸، ص ۲۲۸؛ امامی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۲؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۳۹، صص ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۲۰؛ همو، ۱۳۷۸، ص ۲۶۲)، اولاً به ظاهر ماده ۱۹۹ و ۲۰۰ قانون مدنی و ثانیاً به شباهت عدم نفوذ با مفهوم بطلان نسبی در حقوق فرانسه نظر داشته‌اند.

#### ۱- اشتباه موجب بطلان

همان‌گونه که بیان شد در حقوق فرانسه، اشتباه بعضاً به‌نحوی است که هیچ تطابقی بین ایجاب و قبول صورت نمی‌گیرد که به آن اشتباه مانع گویند و اثر آن بطلان مطلق است؛ اما بعضاً اشتباه خفیف‌تر بوده، به‌نحوی است که عیب رضا تلقی شده، معامله را، به درخواست ذی‌نفع، در معرض بطلان قرار می‌دهد. حقوق‌دانان ایرانی نیز با تبعیت از همین شیوه مواردی را همچون اشتباه در نوع قرارداد یا اشتباه در هویت مورد معامله را، مثل این‌که فروشنده اتومبیل پیکان را قصد نماید و خریدار اتومبیل پراید، باعث بطلان مطلق قرارداد شمرده و علت آن را عدم مطابقت ایجاب و قبول دانسته‌اند (امامی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۶؛ کاتوزیان (الف)، ۱۳۷۶، ص ۴۷۰) و البته آن را نیز از شمول نظریه اشتباه خارج می‌دانند. در حقوق ایران در هر مورد که مقصود متعاقد با واقعیت خارجی عرفاً متفاوت باشد و یا مقصود موجب با مقصود قابل عرفاً متحد نباشد، باید حکم به بطلان (مطلق) قرارداد نمود؛ زیرا در حقوق ایران برای صحیح تلقی شدن قرارداد، کافی است آن‌چه متعاقد قصد کرده همان چیز یا همان شخصی باشد که در خارج وجود دارد و آن‌چه طرف مقابل قصد می‌نماید، همان چیزی باشد که طرف ایجاب قصد نموده است تا در نهایت، انطباق اراده‌ها صورت گیرد. البته این قاعده (این همانی) ملاک عرفی دارد. اشتباه می‌تواند موجب بطلان قرارداد یا ایجاد حق فسخ شود. اشتباه وقتی موجب بطلان می‌شود که قصد را از بین ببرد. عمده مصادیق و موارد چنین اشتباهی عبارت است از: اشتباه در نوع

عقد، بعضی از موارد اشتباه در موضوع قرارداد، بعضی از موارد اشتباه در شخص طرف قرارداد و اشتباه در علت تعهد.

#### ۱-۱- اشتباه در نوع عقد

منظور از اشتباه در نوع عقد یا اشتباه در ماهیت عقد، این است که یکی از متعاقدين عقدي را قصد نماید و ديگري عقد ديگري را. ماده ۱۹۴ قانون مدني نیز ناظر به همین اشتباه است. البته برخی (امامی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۸۷)، آن را منحصر به وحدت عقد دانسته و برخی (کاتوزیان (الف)، ۱۳۷۶، ص ۴۲۵) شامل وحدت موضوع قرارداد هم می‌دانند. فقها نیز تصریح نموده‌اند که اثر چنین اشتباهی بطلان قرارداد است؛ زیرا «ما وقع لم يقصد و ما قصد لم يقع» (طاهری، ۱۴۱۸ق.، ص ۲۶۵؛ مصطفوی، ۱۴۲۱ق.، ص ۱۷۳؛ طباطبایی قمی، ۱۴۲۶ق.، ص ۱۳۶). البته باید توجه نمود که اشتباه در آثار ذاتی عقد نیز، در واقع موجب اشتباه در نوع عقد خواهد بود. چون شناسایی ماهیت اعتباری عقد منوط به شناخت آثار ذاتی آن می‌باشد (شهیدی، ۱۳۷۹، ص ۲۰۷).

#### ۱-۲- اشتباه در خود موضوع قرارداد

اشتباه در خود موضوع قرارداد، یکی از مصادیق بسیار مهم اشتباه است. از موضوع معامله دو معنی متبادر می‌شود. در یک معنی موضوع معامله عبارت است از مبادله دو مال یا تعهد. مثلاً اگر مقصود تملیک عین به عوض معلوم باشد موضوع معامله «بیع» است. در معنی دوم موضوع معامله عبارت است از مال و منفعت یا عمل و خدمتی که مورد تملیک قرار گرفته یا تعهد به تسلیم یا انجام آن شده است (کاتوزیان (الف)، ۱۳۷۶، ص ۴۲۵). خود موضوع معامله در ماده ۲۰۰ قانون مدنی ناظر به معنی دوم است. با این توضیح، این نوع اشتباه صرفاً مربوط به کالای مورد معامله نیست بلکه شامل حق معنوی مورد معامله و یا انجام کار موضوع قرارداد هم هست.

در این مورد که منظور از اشتباه در خود موضوع معامله (سوبستانس<sup>۱۹</sup>) اشتباه در هویت فیزیکی یا در جنس موضوع قرارداد است و یا شامل اشتباه در اوصاف هم می‌شود بحث فراوان است. در تفسیر سوبستانس که در ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی فرانسه در کنار اشتباه در شخص طرف قرارداد مطرح شده و حکم آن به موجب ماده ۱۱۱۷ آن قانون، بطلان نسبی مقرر گردیده، تفاسیر مختلفی مطرح گردیده است:

به موجب نظریه نوعی، ملاک تشخیص سوبستانس نوعی و مادی یعنی ماده‌ای که مورد معامله از آن ساخته شده می‌باشد (Catala, 2006, p. 70, n° 82). ممکن است تأکید زیاد فقهای اسلامی بر جنس موضوع قرارداد شائبه پذیرش نظریه مزبور را ایجاد کند؛ ولی باید دانست که تأکید مزبور از این جهت است که جنس معمولاً تشکیل‌دهنده صورت عرفیه یک شیء است و الا در مواردی که جنس اهمیت اساسی نداشته باشد، تخلف از آن نیز موجب بطلان نخواهد بود.

در نظریه شخصی، سوبستانس چیزی است که در نظر متعاقدين «وصف اساسی» را تشکیل می‌دهد. این نظریه گرچه در حقوق فرانسه مقبولیت عامه پیدا کرده، لیکن با این اشکال مواجه است که چنانچه وصفی در نظر یکی از متعاقدين اساسی باشد که عرفاً فاقد ویژگی اساسی باشد، باید حکم به بطلان معامله داد و این تحمیل ناروایی بر شخص طرف مقابل است که از تصور غیر متعارف اشتباه‌کننده بی‌اطلاع بوده است.

به‌موجب نظریه مختلط نیز هرچند سوبستانس صرفاً جنس موضوع قرارداد نیست و بلکه شامل اوصاف اساسی نیز می‌باشد؛ اما تشخیص و تعیین اوصاف اساسی تابع فکر شخصی یکی از متعاقدين نمی‌باشد. معیار اشتباه، عرف است. این نظریه توسط برخی از حقوق‌دانان فرانسوی همچون اُبری و رو (Aubry et Rau, 1902, n° 343, p.433) مطرح شده است.<sup>۲۰</sup> اشکال این نظریه این است که ممکن است وصفی در نظر عرف اساسی و تخلف از آن موجب بطلان باشد، درحالی که در نظر متعاقدين آن وصف اساسی نبوده است. بطلان در چنین فرضی خلاف منطقی است.

بنابراین، به اعتقاد ما اشتباه در هر آن چیزی که تشکیل‌دهنده هویت و صورت عرفیه کالا باشد، مثل اشتباه در هویت فیزیکی موجب بطلان است. در این خصوص تعبیر برخی از فقیهان (نائینی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۲۵۴) بسیار دقیق و گویاست که می‌فرماید: «الخصوصية الفاقدة تارة توجب أن يعد الموجود الخارجي مابيناً لما وقع عليه العقد عرفاً، فإنتهاها يوجب بطلان العقد لامحاله... و أخرى تكون الخصوصية فضلة بمعنى أن إنتفائها لا يوجب أختلالاً في مبادلة المالين... فإنتهاها في تلك الصورة يوجب إنتفاء الإلتزام لا إنتفاء أصل المبادلة.» بنابراین انتفاء اوصاف اساسی یا اوصاف جوهری و یا به تعبیری اوصاف جانشین ذات، موجب انتفاء توافق است. اما انتفاء اوصاف فرعی ممکن است موجب انتفاء التزام گردد، یعنی موجب پیدایش خیار شود. این معنی به کرات در متون فقهی (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۸ق، ص ۵۹) و بعضاً حقوقی (کاتوزیان الف)، ۱۳۷۶، صص ۴۱۶ و ۴۲۷؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۸؛ امامی، ۱۳۷۴، ج ۱، صص ۱۹۸-۲۰۰) بیان شده است. برخی (آل کاشف‌الغطاء، ۱۳۵۹ق، ص ۴۵) نیز آن چیزی را که تشکیل‌دهنده صورت عرفیه است، به عنوان داخل در حقیقت معرفی می‌کنند و ضمانت اجرای آن را بطلان و غیر از آن دارای ضمانت اجرای خیار می‌دانند.

شیخ انصاری (انصاری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۳۱۴؛ نیز رک. ج ۳، ص ۳۷) نیز با تعبیری گویا همین معنی را اعلام فرموده و آن چیزی را که تشکیل‌دهنده صورت عرفیه است، به عنوان داخل در حقیقت معرفی می‌کند ضمانت اجرای آن را بطلان و غیر از آن را خارج از حقیقت و دارای ضمانت اجرای خیار می‌داند. فقیه دیگری (آل کاشف‌الغطاء، ۱۳۵۹ق، ص ۴۵) نیز ضمن تأیید و تأکید این مطلب، می‌فرماید چنانچه قید به‌صورت تقیید وحدانی باشد، می‌توان گفت در فرض فقدان قید، مقید معدوم است.

در این مورد که چه چیزهایی صورت عرفیه شیء را تشکیل می‌دهد، باید گفت که اساسی یا ذاتی بودن امری، بستگی به خواست و اراده متعاقدین دارد، اما تشخیص آن اراده با معیار نوعی و عرفی صورت می‌گیرد. با این توضیح که قضاوت با عرف است، اما متعاقدین می‌توانند اثبات نمایند که منظور اساسی آنها که البته باید وارد در قلمرو تراضی نیز شده باشد، امر دیگری بوده است.

### ۳-۱- اشتباه در شخص طرف قرارداد

اشتباه در شخص طرف قرارداد موجب بطلان است و تفاوت اساسی اشتباه در شخص طرف قرارداد با اشتباه در خود موضوع معامله در این است که اشتباه در خود موضوع معامله در هر قراردادی می‌تواند مؤثر باشد، اما اشتباه در شخص طرف قرارداد فقط در یکسری قراردادها مؤثر واقع می‌شود و آن قراردادهایی است که شخصیت طرف در آنها علت عمده قرارداد محسوب می‌شود. غالباً افراد در معاملاتی که می‌کنند به شخصیت طرف توجهی ندارند یا شخصیت طرف برای ایشان مهم نیست. بنابراین در قراردادهایی که شخصیت طرف علت عمده است، اشتباه بسته به درجه آن، باعث بطلان است و یا صرفاً حق فسخ ایجاد می‌کند.

### ۴-۱- اشتباه در علت تعهد

علت تعهد یا جهت تعهد، مقصود مستقیم و بلاواسطه و تعیین‌کننده‌ای است که به خاطر آن متعهد در برابر متعهدله قبول تعهد کرده است و می‌توان آن را علت غائی نامید (صفایی، ۱۳۷۵، ص ۳۴۱). به عنوان مثال، اگر موصی با موصی‌له ادعایی در افراز ملک مشاع موضوع وصیت توافقاتی کنند و حال آن‌که اساساً وصیت باطل یا مجعول بوده، توافق به دلیل اشتباه در علت تعهد باطل است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۹؛ همو، ۱۳۷۸، ص ۳۹۱). تعبیر برخی از فقیهان (طباطبائی یزدی، ۱۳۷۶، صص ۲۷۸ و ۲۳۲) نیز دلالت بر بطلان قرارداد فاقد علت دارد. در نتیجه اشتباه در علت تعهد (و نه جهت معامله) باعث بطلان قرارداد می‌باشد.

### ۲- اشتباه موجب خیار

خيارات نیز احکامی عقلی هستند که برخی از فقیهان (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۴۰۶) ضمن ردّ مبانی لاضرر و شرط ضمنی، عمده دلیل خیار را بنای عقلا می‌دانند و این‌گونه موارد را ارشادی می‌خوانند.

به نظر می‌رسد اراده که سازنده عمل حقوقی است، ممکن است دچار عیبی شود و عیب مزبور بسته به مورد، آثار مختلف خواهد داشت. لازم نیست همه عیوب اراده به یک اندازه مؤثر باشند. بنابراین اگر عیب اراده، زایل‌کننده قصد باشد، بدون تردید حکم معامله، بطلان است و اگر رضا را مفقود نماید، عقد را غیرنافذ یعنی مشروط و موقوف به رضا (تنفیذ) می‌کند. چون رضا شرط نفوذ است و فقدان آن سبب عدم‌نفوذ است. در صورت معیوب بودن رضا، نمی‌توان قائل به عدم‌نفوذ شد، چون اجمالاً رضا وجود دارد. اما از آنجایی که رضا معیوب است، صاحب چنین رضایی حق فسخ و رهایی از التزام قراردادی را پیدا می‌کند.

اشتباه نیز عیب اراده است و البته این عیب از دو حالت خارج نیست: یا قصد را زائل می‌کند که اثر آن بطلان است و یا رضا را معیوب می‌کند که موجب پیدایش خیار می‌شود. اشتباه هیچ‌گاه باعث زوال رضا نمی‌شود تا اثر عدم نفوذ داشته باشد.

به نظر می‌رسد نظریه عیب اراده، مناسب‌ترین مبنا برای توجیه احکام خیار می‌باشد. به موجب این نظریه، اشتباهی که موجب عیب رضا شود، باعث حق فسخ خواهد بود. این حکم در حقوق فرانسه مشاهده نمی‌شود و علت آن عدم تفکیک دقیق بین قصد و رضا در آن نظام حقوقی است که نوعاً موجب بطلان نسبی قرارداد هستند. شاید همین مسأله و نیز ظاهر مواد ۱۹۹ تا ۲۰۱ قانون مدنی ایران باعث شده که برخی (کاتوزیان (الف)، ۱۳۷۶، صص ۴۲۲ و ۴۷۱؛ حسینی حائری، ۱۴۲۳ق.، ص ۵۰۰؛ بحرالعلوم، ۱۹۸۱م.، ص ۶۹۰)، موضوع خیارات را جدای از نظریه اشتباه بدانند و برخی (بروجردی عبده، ۱۳۸۰، ص ۹۶؛ صفایی، ۱۳۷۵، ص ۳۳۴) در مقابل اشتباه موجب خیار را صریحاً می‌پذیرند یا غیرمستقیم تمایل به پذیرش آن نشان می‌دهند (صفایی، ۱۳۸۸، ص ۸۷؛ شهیدی، ۱۳۷۷، صص ۳۳ و ۱۹۹؛ کاتوزیان (ج)، ۱۳۷۶، ص ۳۳۰؛ موسوی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۳؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۳۹، ص ۲۱۴ و ۱۳۷۹، ص ۱۶۹؛ شایگان، ۱۳۷۵، ص ۱۶۱ و ۱۶۶).

بنابراین، اگر اشتباه آن‌قدر مهم نباشد که قصد را زایل نماید، بلکه فقط باعث عیب رضا شود، حق فسخ ایجاد می‌کند. این اشتباه ممکن است، ناظر به وصف غیراساسی یا شرط ملحوظ در قرارداد و یا ارزش موضوع معامله و امثال آن باشد.

#### ۱-۲- اشتباه در ارزش مورد معامله

اشتباه در ارزش مورد معامله (غبن)، یکی از مباحث مهم خیارات است که از زمان شیخ‌الطائفه مطرح شده و قبل از او صحبتی از آن نبوده است (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، صص ۴۱۴ و ۴۱۷) و تقریباً هیچ مخالفی ندارد، مگر نقل مخالفتی که از محقق و اسکافی شده است (انصاری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۶۹). البته در مبنای خیار مزبور اختلاف وجود دارد که بررسی آن از فرصت این نوشتار خارج است. «غبن» زیانی است که در اثر عدم تعادل ارزش دو مورد معامله با یکدیگر حاصل می‌گردد (امامی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۵) و یا به تعبیر برخی (انصاری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۶۸)، «تملیک ماله بما یزید علی قیمته مع جهل الآخر». برخی (امامی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۵) غبن را ناشی از گول خوردن یا اضطراری که اراده را معلول می‌کند، می‌دانند. البته باید گفت ضرورتاً این‌گونه نیست که غبن ناشی از گول خوردن باشد؛ زیرا بعضاً بدون خدعه نیز غبن رخ می‌دهد. بنابراین غبن را باید به عنوان یک عیب اراده معرفی کرد.

در حقوق فرانسه در خصوص این‌که غبن<sup>۲۱</sup> عیب اراده محسوب می‌شود یا خیر، اختلاف نظر است. برخی اراده را در اثر غبن معلول شده می‌دانند و برعکس، برخی نیز بحث غبن را از عیوب اراده جدا می‌شمارند. در تقویت نظری که غبن را عیب اراده تلقی می‌کند، می‌توان یادآور شد که ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی فرانسه ناظر بر غبن، در ذیل عنوان رضا و تراضی<sup>۲۲</sup> آمده است.

حکم معامله غبنی در حقوق ایران و فقه اسلامی برای مغبون حق فسخ قرارداد است. خیار غبن یک حکم عقلایی است و بنابراین مورد تأیید شارع نیز می‌باشد. به نظر می‌رسد مبنای عیب اراده به تنهایی و هماهنگ با سایر مبانی، می‌تواند به نحو منطقی، توجیه‌کننده خیار غبن باشد. به علاوه توجه به معیار عرفی غبن از باب رعایت شرط ورود اشتباه در قلمرو تراضی است.

## ۲-۲- اشتباه در اوصاف فرعی

وصف عبارت از اعراض قائم به موضوع است؛ مثل کمیات و کیفیات که از عوارض اجسام هستند و مثل ملکات و سجایا و احوال که از عوارض نفوس و اشخاص هستند (آل کاشف‌الغطاء، ۱۳۵۹ق، ص ۴۳). شخصیت عرفی هر شخص و هویت هر شیء، مجموع اوصاف تشکیل‌دهنده آن است که موجب تمایز آن شخص یا آن شیء از سایرین می‌باشد و وجود و عدم آن در ایجاد رغبت و تمایل نقش به‌سزایی دارد که قیمت و ارزش در معامله با توجه به این اوصاف کم و زیاد می‌شود (انصاری، ۱۳۷۶، ج ۲، ۳۱۱).

بین اوصاف ذاتی و اوصاف فرعی (عرضی) باید تفکیک نمود. زیرا برخی اوصاف تأثیر کم و برخی تأثیر مهم‌تر و اساسی در ایجاد رغبت دارند. اشتباه در اوصاف اساسی (تشکیل‌دهنده ذات و هویت)، موجب بطلان قرارداد است. زیرا اشتباه مزبور باعث می‌شود که این همانی عرفی صدق نکند یا به تعبیر برخی از فقیهان (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، صص ۳۰۴)، «إخراج عمّا هی علیه» رخ می‌دهد. برخی (انصاری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۳۱۴) در فرضی که وصف مفقود تأثیر در حقیقت عرفی دارد، معتقد به عدم اختلاف در بطلان قرارداد هستند. زیرا «المعقود علیه غیر موجود و الموجود غیرمعقود علیه». برخی (حسینی حائری، ۱۴۲۳ق، ص ۵۱۶) نیز این بطلان را با نظریه لزوم انطباق ایجاب و قبول توجیه نموده‌اند.

چنانچه وصف مورد نظر، تشکیل‌دهنده هویت عرفی نباشد، بلکه اوصاف فرعی یا عرضی تلقی گردد، حداکثر باعث ایجاد حق فسخ می‌شود، آن هم به شرط ورود در قلمرو تراضی. (نائینی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۴۰۷) در این مطلب اختلافی نیز وجود ندارد و فقیهان (آل کاشف‌الغطاء، ۱۳۵۹ق، ص ۴۳؛ انصاری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۳۱۱؛ بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، صص ۳۰۴-۳۰۸، حسینی حائری، ۱۴۲۳ق، ص ۵۰۰؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۶ق، ص ۲۰۶) و حقوق‌دانان (کاتوزیان (ب)، ۱۳۷۶، ۱۸۷) این مطلب را در باب خیارات مختلف بیان می‌کنند.

البته هرچند عمدتاً فقیهان و حقوق‌دانان این بحث‌ها را در خصوص مبیع و کالا مطرح می‌کنند؛ اما باید دانست که تخلف از وصف اختصاصی به اوصاف کالا ندارد و در آنجایی که شخصیت طرف علت عمده و رکن تلقی شود، می‌توان مورد خیار رؤیت را به اشتباه در شخص طرف قرارداد هم تسری داد و شامل اوصاف انسان نیز دانست (آل کاشف‌الغطاء، ۱۳۵۹ق، ص ۴۳) که بر حسب مورد، اثر بطلان یا خیار فسخ را دارد و نیز بعضاً هم فاقد اثر است. بنابراین اشتباه در شخص طرف قرارداد، اگر به نحوی باشد که هویت عرفی طرف قرارداد تغییر کند، باید قائل به بطلان قرارداد شد. اما اگر اشتباه در اوصاف فرعی باشد که البته در قرارداد هم ذکر شده،

ضمانت اجرای تخلف از آن، خیار فسخ است و نهایتاً اشتباه در اوصاف غیرمذکور در قرارداد هیچ اثری ندارد.

### ۳-۲- اشتباه در وصف صحت (عیب)

«عیب»، حالتی است که شیء را از مجرای اصلی و خلقت طبیعی آن خارج نماید، خواه با افزایش چیزی بر آن یا نقصان چیزی از آن (آل کاشف‌الغطاء، ۱۳۵۹ق، ص ۷۰؛ بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ۳۰۵؛ بروجردی عبده، ۱۳۸۰، ۱۹۷). خیار عیب نیز اصولاً قسمتی از خیار تخلف وصف است.

وصف در معاملات کلی در محدوده قصد واقع می‌شود (شهیدی، ۱۳۷۹، ص ۱۷۱). اما در معاملات شخصی، چنانچه وصف مورد نظر ویژگی اساسی داشته و با موصوف، مطلوب واحدی را تشکیل دهد، حکم تخلف از آن وصف، به دلیل قاعده تبعیت عقد از قصد، بطلان قرارداد است. اما اگر وصف منظور با موصوف خود دارای تعدد مطلوب باشد، تخلف از آن، التزام قراردادی را از بین می‌برد و حق فسخ ایجاد می‌کند.

به موجب ماده ۱۱۲۶ قانون مدنی، یکی از شرایط خیار عیب، جهل صاحب آن نسبت به عیب در زمان معامله است و همین که شخص امید و رجاء به سلامت و صحت موضوع قرارداد داشته باشد، برای ایجاد خیار کافی است (شهیدی، ۱۳۷۹، ۹۷). در واقع به علت این که در اغلب معاملات وصف صحت و سلامت مطلوب متعاقدين بوده، تخلف از آن عیب رضا است و خیار فسخ ایجاد می‌کند. این حکم نیز که ارتفاع عیب، قبل از علم به آن مانع ایجاد خیار می‌شود (انصاری، ۱۳۷۶، ج ۲، ۲۷۴)، کاملاً منطقی به نظر می‌رسد. بدیهی است در صورت علم متعاقدين به عیب، نمی‌توان صحت و سلامت را شرط ضمنی در قرارداد تلقی نمود. همچنین در خصوص شرط تبری از عیوب باید گفت که در واقع طرفین شرط می‌کنند که حتی در صورت معیوب بودن موضوع قرارداد، رضای کامل به آن دارند. بنابراین اراده‌ها معیوب نبوده، حق فسخ به وجود نمی‌آید.

در حقوق فرانسه نیز گرچه عنوان مستقلی مشابه خیار عیب وجود ندارد، اما آن را تحت عنوان تخلف از اوصاف اساسی که منجر به بطلان نسبی است مطرح می‌نمایند. زیرا وصف سلامت یک وصف اساسی است (Dupichot, 1993, p.30).

## نتیجه‌گیری

اشتباه، عبارت است از «اعتقاد (پندار یا تصور) نادرست یا غیردقیق از واقعیت در خصوص یکی از عناصر عمل حقوقی». در حقوق فرانسه برخی از اقسام اشتباه به دلیل این که مانع تشکیل قرارداد می‌شوند، به اشتباه مانع موسوم شده و از شمول نظریه اشتباه خارج دانسته شده است. لیکن اشتباهی که عیب اراده تلقی می‌شود، دارای اثر بطلان نسبی است. یعنی به درخواست ذی‌نفع، دادگاه حکم به ابطال چنین قراردادی می‌دهد. در حقوق ایران نیز باید گفت

اشتباه عیب اراده است. البته با توجه به میزان اشتباه، تأثیر آن بر اراده نیز متفاوت می‌باشد. در خصوص اثر اشتباه اصولاً تفاوتی بین اشتباه در خود موضوع قرارداد و اشتباه در شخص طرف قرارداد وجود ندارد. توضیح این‌که اراده دارای دو جزء اصلی است: یکی قصد که رکن خلاق بوده و ماهیت آن «فعل نفسانی» است که امرش دائر مدار وجود و عدم است. اشتباه ممکن است قصد را از بین ببرد. اثر چنین اشتباهی بطلان مطلق عقد است. این حکم از قواعد امری بوده، شرط عدم تضمین (شرط برائت از اشتباه) در آن راه ندارد. جزء دیگر اراده، رضا می‌باشد که یک «کیف نفسانی» بوده و علاوه بر وجود و عدم، حالت بینابین نیز می‌تواند داشته باشد. «رضا»، شرط صحت عقد است که فقدان آن باعث «عدم‌نفوذ» و معیوب شدن آن موجب «خیار فسخ» است. اشتباه هیچ‌گاه رضا را از بین نمی‌برد؛ زیرا اشتباه جهل مرکب است و مرتکب آن به لحاظ همان پندار وهمی، دارای رضا می‌باشد؛ بنابراین، اثر اشتباه هرگز عدم نفوذ نیست. البته ممکن است اشتباه باعث عیب رضا گردد که در این صورت، به شرط وجود سایر شرایط، باید نظر به «حق فسخ» داشت. از آن جایی که قواعد خیرات از قواعد تکمیلی است، در نتیجه شرط عدم تضمین در آن پذیرفته است.

## یادداشت‌ها

1- Jacques Ghestin

2- La notion d'erreur en droit positif actuel

۳- در بین حقوق دانان فرانسوی نیز تعریف اجماعی دیده نمی‌شود و هر کسی تعریف اشتباه را از زاویه‌ای خاص یا تأکید بر مسأله‌ای خاص بیان می‌کند. اما تعریف اشتباه به جهل و بی‌اطلاعی از واقع (Ignorance ou méconnaissance du reel) (Hubrecht et Vermell, 1987, p. 144) قطعاً تعریف نادرست و قابل انتقادی است.

۴- البته مردد بودن را با کلی در معین و آن دو را با مشاع نباید اشتباه کرد.

۵- جالب اینجاست که ایشان تصریح می‌فرماید که اشتباه زیان‌دیده، مبنای حکم خیار است. اما اصرار بر عدم شمول نظریه اشتباه بر آن موارد دارد و قائلین به شمول را متهم به برهم ریختن مرزهای مفاهیم و تلاش برای نزدیکی حقوق مدنی با مفاهیم غربی می‌فرماید!

۶- مرحوم سید حسن امامی در جلد اول دوره حقوق مدنی خود (ص ۱۸۷) نظری سازگار با موازین فقهی دارد، اما در جلد ۴ (صص ۴۲ و ۴۳) به صراحت از نظر قبلی خود برگشته و اصرار به تمسک به ظاهر مادتين ۱۹۹ و ۲۰۰ و متابعت از حقوق فرانسه می‌نماید. البته برخی از اساتید گرچه معتقدند که «در آنجا که قانون‌گذار به‌رغم وجود اشتباه در یکی از عناصر قرارداد، قابلیت فسخ را پذیرفته، این



ضمانت اجرا را برای جلوگیری از زیان معامله‌کننده مقرر داشته است، نه به عنوان اثری که از عیب اراده ناشی می‌شود.» (سید حسین صفایی، پیشین، ص ۸۶)، اما در همان مبحث، خیار فسخ را به عیب اراده ارتباط داده و فسخ را اثر آن می‌دانند و می‌فرمایند: «...بدین منظور قانون‌گذار همه عیوب اراده را مؤثر در معامله نمی‌داند، بلکه فقط عواملی را منشأ اثر و موجب بطلان یا عدم‌نفوذ یا خیار فسخ تلقی می‌کند که نسبتاً مهم و غیر قابل اغماض تشخیص دهد.» (همان، ص ۸۷).

7- Erreur de droit

8- Fiction

9- Erreur d'interprétation

10- Erreur de fait

11- "L'erreur de fait tombe sur des faits matériels"; (Colin et Capitant, 1932, p. 31).

مشابه این تعبیر در فرهنگ حقوقی کاپیتان نیز آمده است.

12- Erreur dans la personne

۱۳- برای مطالعه تفصیلی مقررات مربوط به اشتباه در اوصاف شخص طرف قرارداد، رک. سعید محسنی، اشتباه در اوصاف شخص طرف قرارداد در فقه امامیه، حقوق ایران و حقوق فرانسه، «معارف اسلامی و حقوق»، سال هشتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۶، صص ۹۹-۱۳۹.

۱۴- برای مطالعه اشتباه در خود موضوع معامله، رک. سید حسین صفایی، مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۵، مقاله «اشتباه در خود موضوع معامله در حقوق ایران و فرانسه».

15- Cause d'obligation

۱۶- برای مطالعه تفصیلی در خصوص مفهوم بطلان نسبی و آثار آن، رک. سعید محسنی و سید محمد مهدی قبولی درافشان، مفهوم و آثار بطلان نسبی، مجله «دانش و توسعه»، سال هجدهم، شماره ۳۳، زمستان ۱۳۸۹، صص ۲۴۵-۲۷۰.

۱۷- برخی از حقوق‌دانان فرانسوی (Ripert, 1949, p. 79) نیز به نقد این تعریف پرداخته‌اند.

۱۸- در حقوق فرانسه غبن عیب رضا تلقی شده، اثر آن بطلان نسبی است. لیکن در اصطلاح به دلیل سابقه تاریخی به جای Nullité relative از اصطلاح rescission استفاده می‌کنند. برای مطالعه تفصیلی در این خصوص، رک. سعید محسنی و سید محمد مهدی قبولی درافشان، مفهوم و آثار بطلان نسبی، مجله «دانش و توسعه»، سال هجدهم، شماره ۳۳، زمستان ۱۳۸۹، صص ۲۵۰-۲۵۱.

19- Substance

۲۰- برای مطالعه تفصیلی در خصوص این سه نظریه، رک. (سید حسین صفایی، ۱۳۷۵، مقاله پنجم، صص ۳۰۵ به بعد).

21- Lésion

22- "Du consentement"

### کتابنامه

- ابن منظور، أبوالفضل، لسان العرب، ج ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳، نشر أدب الحوزه، ۱۴۰۵ق.
- آخوند خراسانی، سید محمدکاظم، حاشیة المکاسب، وزارت ارشاداسلامی، ۱۴۰۶ق.
- آخوند خراسانی، سید محمدکاظم، کفاية الأصول، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، بی تا.
- آل کاشف الغطاء، سید محمدحسین، تحرير المجلدة، ج ۲، مکتبه النجاش و مکتبه فيروزآبادی، نجف، ۱۳۵۹ق.
- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ج ۱ و ۴، انتشارات اسلامیه، تهران، ۱۳۷۴.
- امیری قائم مقامی، عبدالمجید، حقوق تعهدات، ج ۲، میزان، تهران، ۱۳۷۸.
- انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب، ج ۱، ۲ و ۳، اسماعیلیان، قم، ۱۳۷۶.
- بحرالعلوم، محمد، عیوب الإرادة فی الشريعة الإسلامية، دارالزهراء، بیروت، ۱۹۸۴م.
- بروجردی عبده، محمد، حقوق مدنی، مجد، تهران، ۱۳۸۰.
- بهرامی احمدی، حمید، کلیات عقود و قراردادهای، میزان، تهران، ۱۳۸۱.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، تأثیر اراده در حقوق مدنی (رساله دکتری)، دانشگاه تهران، ۱۳۳۹.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، تهران، ۱۳۸۱.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دائرة المعارف حقوق مدنی و تجارت، گنج دانش، تهران، ۱۳۸۸.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۱، گنج دانش، تهران، ۱۳۷۸.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، گنج دانش، تهران، ۱۳۷۹.
- جوهری، إسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربية، ج ۱، ۴ و ۶، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۷ق.

حربی، إبراهيم بن اسحاق، النهاية غريب الحديث، ج ۱، ۲ و ۵، دارالمدنة للطباعة و النشر و التوزيع، جده، ۱۴۰۵ق.

حسينى حائرى، سيد كاظم، فقه العقود، ج ۱، مجمع الفكر الإسلامى، قم، ۱۴۲۳ق.

حسينى مراغى، ميرفتاح، عناوين الفقهية، ج ۲، مؤسسه نشر اسلامى، ۱۴۱۸ق.

حسينى، سيد محمد مرتضى، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۷ و ۹، المكتبة الميما، بيروت، بى تا.

حكيم، سيد محسن، مستمسك عروة، ج ۷، مكتبة الآداب، نجف، ۱۳۹۱ق.

حلى، حسن بن يوسف، كشف المراد فى تحرير الإعتقاد، جماعه المدرسين فى الحوزه العلميه بقم، مؤسسه النشر الاسلامى، قم، ۱۴۰۷ق.

حلى، حسن بن يوسف، مختلف الشيعة، ج ۵ و ۸، مؤسسه نشر اسلامى، ۱۴۱۳ق.

حلى، حسن بن يوسف، نهاية الأحكام فى معرفة الأحكام، ج ۱، اسماعيليان، قم، ۱۴۱۰ق.

خوئى، سيد أبو القاسم، مصباح الفقاهة، ج ۶، مطبعة سيد الشهداء، قم، ۱۳۷۴ق.

دهخدا، على أكبر، لغت نامه دهخدا، ج ۵، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، بهار ۱۳۷۳.

رازى، محمد بن أبى بكر، مختار الصحاح، دارالكتب العلمية، بيروت، ۱۴۱۵ق.

راغب اصفهانى، حسين بن محمد، المفردات فى غريب القرآن، دفتر نشر كتاب، تهران، ۱۴۰۴ق.

سنهورى، عبدالرازق أحمد، الوسيط فى شرح القانون المدنى الجديد، ج ۱، منشورات الحلبي الحقوقية، بيروت، ۱۹۹۸م.

سنهورى، عبدالرازق أحمد، مصادر الحق فى الفقه الاسلامى مقارنة بالفقه الغربى، ج ۲، جامعة الدول العربية معهد البحوث و الدراسات، قاهره، ۱۹۶۷م.

سنهورى، عبدالرازق احمد، نظرية العقد، دار إحياء التراث العربى، بيروت، بى تا.

سياح، احمد، فرهنگ جامع مصور، ج ۱، كتابفروشى اسلام بازار شيرازى، تهران، بى تا.

شايگان، سيد على، حقوق مدنى، طه، قزوین، ۱۳۷۵.

- شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، الروضة البهیه فی شرح اللمعة دمشقیه (با حواشی سید محمد کلانتر)، ج ۶، قم، انتشارات داوری، ج ۱، ۱۴۱۰ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، مسالک الأفهام، ج ۱۰، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة، ج ۱، ۱۴۱۷ق.
- شهیدی، مهدی، اصول قراردادها و تعهدات، نشر حقوق دان، تهران، ۱۳۷۹.
- شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، نشر حقوق دان، تهران، ۱۳۷۷.
- صفایی، سید حسین، دوره حقوق مدنی؛ قواعد عمومی قراردادها، میزان، تهران، ۱۳۸۸.
- صفایی، سید حسین، مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، میزان، تهران، ۱۳۷۵.
- طاهری، حبیب‌الله، حقوق مدنی، ج ۴، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۸ق.
- طباطبائی یزدی، سید محمدکاظم، حاشیة المکاسب، ج ۲، اسماعیلیان، قم، ۱۳۷۸ق.
- طباطبائی یزدی، سید محمدکاظم، سؤال و جواب، مرکز نشر علوم اسلامی، قم، ۱۳۷۶.
- طباطبائی قمی، سید تقی، مبانی منهاج الصالحین، ج ۱۰، منشورات قلم الشرق، قم، ۱۴۲۶ق.
- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، ج ۲ و ۳، مکتب نشر الثقافة الإسلامیة، ۱۴۰۸ق.
- طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیة، ج ۱، المکتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، تهران، ۱۳۸۷ق.
- عبدالناصر، جمال، موسوعة الفقه الإسلامی، ج ۹ و ۱۰، المجلس الأعلى للشؤون الإسلامیة، قاهره، ۱۹۸۸م.
- عدل، مصطفی، حقوق مدنی، انتشارات بحرالعلوم، قزوین، ۱۳۷۳.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد، کتاب العین، ج ۲، ۴ و ۵، مؤسسه دار الهجرة، ۱۴۰۹ق.
- قمی، محمد بن علی، المقنع (للشیخ الصدوق)، مؤسسه امام هادی (علیه السلام)، قم، ۱۴۱۵ق.
- کاتبی، حسینقلی، حقوق مدنی - عقود و تعهدات و الزامات، مدرسه عالی بازرگانی، تهران، ۱۳۵۲.

کاتوزیان (الف)، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، تهران، ۱۳۷۶.

کاتوزیان (ب)، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۵، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، تهران، ۱۳۷۶.

کاتوزیان (ج)، ناصر، حقوق مدنی - عقود معین، ج ۲، گنج دانش، تهران، ۱۳۷۶.

مؤمن قمی، محمد، مبانی تحریر الوسيلة - کتاب الحدود، بی‌نا، بی‌تا.

محسنی سعید و قبولی درافشان، سید محمد مهدی، مفهوم و آثار بطلان نسبی، مجله «دانش و توسعه»، سال هجدهم، شماره ۳۳، زمستان ۱۳۸۹، صص ۲۴۵-۲۷۰.

محسنی، سعید، اشتباه در اوصاف شخص طرف قرارداد در فقه امامیه، حقوق ایران و حقوق فرانسه، «معارف اسلامی و حقوق»، سال هشتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۶، صص ۹۹-۱۳۹.

محقق حلی، شرائع الإسلام، با تعلیقات سید صادق شیرازی، ج ۳، تهران، انتشارات استقلال، ج ۲، ۱۴۰۹ق.

مصطفوی، سید محمدکاظم، مائة قاعدة فقهية، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۲۱ق.

مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، ج ۲، اسماعیلیان، بی‌تا.

معین، محمد، ۱۳۷۱، فرهنگ معین، ج ۱، ۲ و ۴، امیرکبیر، تهران.

المنجد فی اللغة و الاعلام، ۱۹۸۶م، دارالمشرق، لبنان، بیروت.

موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق.، سید حسن، القواعد الفقهية، ج ۳ و ۶، الهادی، قم.

موسوی خمینی، سید روح الله، ۱۴۱۵ق.، انوار الهدایة فی التعلیقة علی الکفاية، ج ۲، مؤوسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی «قدس».

موسوی خمینی، سید روح الله، ۱۳۷۹، کتاب البیع، ج ۴، مؤوسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، تهران.

موسوی، سید محمد صادق، ۱۳۸۲، مبانی نظری جهل و اشتباه و آثار آن بر اعمال حقوقی، امیرکبیر، تهران.

میرزای قمی، أبو القاسم، ۱۴۱۲ ق.، جامع الشتات فی أجوبة السؤالات، ج ۲، کیهان، تهران.  
نائینی، محمدحسین، ۱۴۱۸ ق.، منیة الطالب فی شرح المکاسب، ج ۱، ۲ و ۳، مؤسسه نشر اسلامی.

ناصری، الیاس، ۱۹۹۷ ق.، موسوعة العقود المدنية و التجارية، بی جا  
نجفی، محمدحسن، ۱۳۶۵، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۲۲، دارالکتب الإسلامية.

Aubry et Rau, 1902, Cours De Droit Civil Français, Paris, t. 4, 5e édition.

Capitant, Henri, 1930, Vocabulaire Juridique sous la direction, Presses univecitaires de France, Paris.

Catala, Pierre etc., 2006, Droit Des Obligations (Droit Français- Droit Libanais), LGDJ et DELTA et BRUYLANT, 1re édition.

Colin, Ambrois et Capitant, Henri, 1932, Cour Élémentaire De Droit Civil Français, Libraire Dalloz, Paris, t. 2, 7e édition.

Cornu, Gérard, 1992, Vocabulaire Juridique, Presses univecitaires de France, Paris, 3e édition.

Dupichot, Jacques, 1993, Le Droit Des Obligations, Presses universitaires de France, Paris, 4e édition.

Flour, Jacques et Aubert, Jean-Luc et Savaux, Éric, 2002, Les Obligations (L'acte Juridique), 2e édition.

Ghestin, Jacques; 1971, La notion d'erreur en droit positif actuel, (thèse 1963), Librairie générale de droit et de jurisprudence, Paris.

Hubrecht, Georges et Vermell, Georges, 1987, Notions essentielles (Droit civil), Sirey, 14e édition.

Carbonnier, Jean, 2000, Droit civil (Les obligations), t. 4, Presses universitaires de France, Paris, 22e édition, janvier.

Ourliac, Paul et J. de malafosse, 1969, Histoire Du Droit Privé (Les Obligations), Presses niversitaires de France, Paris, 2e édition.

Ripert, Georges, 1949, La Règle Morale Dans Les Obligations Civiles, L.G.D.J., Paris, 4e édition.

Rubellin-Divich, Jacqueline, 1996, Droit De La Famille (sous la direction de Jacqueline Rubellin-Divichi), Edition Dalloz, Paris.

Starck, Borise, 1972, Droit Civil (Les Obligations), Librairie Technique, Paris.

Weill, Alex et Terré, François, 1979, Droit Civil (Introduction Générale), Paris, Dalloz, 4e édition.